

یادداشت

فوتسال و قدم‌زدن در گورستان خاطرات



مهدی شمشری

بایباید با هم به دهه ۷۰ برگردیم؛ به شب‌های تماشایی، به سالن‌های پرهیاهو، به همه‌مه بی‌وقفه و آمیخته با صدای مردان چای و فروش. به شب‌هایی که هنوز خبری از سوپرلیگ، لیگ برتر و نقل‌وانتقالات میلیاردری نبود و پوششیدن کفش‌های اورچینال مزیت خاصی محسوب نمی‌شد. شب‌هایی که به‌جای واژه شیک و فرنگی «فوتسال»، روی زبان عامه مردم «فوتبال سالنی» خوش نشسته بود. به شورش بچه‌های پایین‌شهر مقابل اتوکشیده‌های بالاشره‌ی با کفش‌های برند «W». آن شب‌ها سالن‌های تربیت‌بدنی شهرها در قرچک، ساوه، قم، مشهد، تبریز و... یا جـولان جوانانی که هنوز دنیای حرفه‌ای را نمی‌شناختند، جان می‌گرفت. جام‌های رمضان برای خیلی‌ها نه‌فقط یک تورنمنت محلی، بلکه مهم‌ترین فرصت برای دیده‌شدن بود. چه بازیکنانی که از دفترچه مربیان کمین‌کرده روی سسکوها سرردآورند و چه استعدادها که شکار شدند. از وحید شمسایی و محمدرضا حیدریان تا نسل کنونی فوتسال، محصول همان سمفونی تورها و دروازه‌هاست. نام مصطفی نظری، محمد طاهری، محمد کشاورز، حمید شاندیزی و... اولین بار از بلندگوهای همان سالن‌های رنگ و رو رفته شنیده شد. فوتسال در همان سالن‌های سقف‌کوتاه و نور زرد، جایی میان افطار تا سحر متولد شد.

امسا از آنجایی‌که مردم ما همیشه همه چیز را زیادی «جدی» می‌گیرند، «فوتبال سالنی» خیلی زود برای همه جدی شد. لیگ‌های منطقه‌ای یا استانی از هر گوشه‌ای قد کشیدند و بازیکنان تکنیکی، نامی برای خود دست و پا کردند. سال ۱۳۸۳ نقطه عطف تاریخ این رشته جداجا بود، چراکه «سوپرلیگ ایران» متولد شد تا فوتسال حرفه‌ای شود. لیگی با ساختار یکپارچه، تقویم واحد و رؤیای ثبات و پیشرفت. مرتضوی با شن‌سای ساوه نخستین جام قهرمانی را به خانه برد، شهید منصوری، تیم متعصب مردم جنوب شرق تهران، نایب‌قهرمان شد و ارم‌کیش قم با بازیکنانی جنگجو روی سکوی سوم ایستاد. البته فوتسال از همان ابتدا برای برخی تیم‌ها سخت‌گیر بود و داستان آن‌طورکه باید پیش نرفت. حالا که نقی به گذشته می‌نژیم، بیشتر از آنکه تیم‌هایی را ببینیم که رشد کرده‌اند یا فهرستی از باشگاه‌های منحل‌شده، نیمه‌جان یا فراموش‌شده روبه‌رو هستیم. استقلال، پرسپولیس، پاس، پیمان، تام ایران خودرو، شن‌س، شهید منصوری، فولاد ماهان، تأسیسات دریایی، دبیری تبریز، ارم‌کیش، هسا و... حالا هم ابرالکوی اراک. این اسامی فقط تیم نیستند، بلکه بخش مهمی از حافظه فوتسال ایران هستند. هر تیمی روزگاری قلب تپنده یک شهر بود، سالن‌ها را پر می‌کرد، غرور اجتماعی می‌ساخت و شناسنامه فوتسال ایران شدند. اما پایان همه شبیه هم بود؛ انحلال سربلای تیم‌ها و پرسش‌هایی که پاسخ آنها سکوت بود. وزارت ورزش، فدراسیون فوتبال، کمیته فوتسال، شهرداری‌ها، مدیرانی که با پول عمومی آمدند، پاسخ پرسش‌ها را مثل رازی سر به مهر در کشورهای جادویی خود غیب کردند. برای فوتسال ایران با همه فرازا و فرودها، با همه جام‌ها و ناکامی‌ها می‌توان سطرها نوشت. می‌توان جادوی کلمات را به بازی گرفت و تصویرسازی کرد اما کمتر کسی به این گزاره ساده توجه کرد که «فوتسال برای بسیاری از شهرهای ایران، صدای زنده شور اجتماعی است». در شهرهایی که سینما، تئاتر و فضای فرهنگی زیادی وجود ندارد، فوتسال یک سرمایه اجتماعی است. سالن‌ها که خالی شوند، شور محله‌ها فروکش می‌کند، جوان‌ها بی‌انگیزه می‌شوند و شهر در خودش فرو می‌رود. بسیاری از تیم‌های فوتسال ایران از همان ابتدا با هدفی کوتاه‌مدت یا تبلیغاتی ایجاد شدند که نه برنامه داشتند، نه آکادمی و نه نقشه‌ای برای آینده. وقتی پول تمام می‌شد یا مدیری تغییر می‌کرد، تیم هم تمام می‌شد.

با گذشت بیش از دو دهه از آغاز لیگ برتر فوتسال، وقت آن رسیده که ساختار این لیگ، کمیته فوتسال، رویکرد مدیران و نگاه کلی به این ورزش، از حالت موقت و فصلی به چشم‌اندازی پایدار و حرفه‌ای تبدیل شود. باید قوانینی وضع شود که تیم‌داری مسئولانه‌تر باشد و انحلال یک باشگاه به‌سادگی یستن یک پرونده مالی نباشد؛ در غیر این صورت، همین روند ادامه خواهد داشت. کسی فکر نمی‌کرد فوتسال به صحنه ظهور و سقوط نسل‌ها، ستاره‌ها، باشگاه‌ها و حتی شهرها تبدیل شود اما تاریخ با همه جذابیت و تکرارهایش همیشه بی‌رحم‌تر از آن است که می‌پنداریم. تیم‌هایی ظهور کردند، قهرمان شدند، سالن‌ها را پر کردند، مردم را خوشحال کردند، جوان‌ها را به رویاهای فوتسال‌ی پیوند زدند و بعد یکی پس از دیگری مانند پرندگان مهاجر که سرزمین اصلی را فراموش می‌کنند، پر کشیدند؛ یکی‌یکی، بی‌صد، بی‌خداحافظی، از بسیاری از تیم‌ها چیزی جز نامی در جدول‌های خاک‌خورده لیگ و حافظه محدود روزنامه‌نگاران و هواداران مو سفید کرده دیروز که هنوز عاشقانه این رشته را دنبال می‌کنند و آن سال‌های درخشان را در محافل خصوصی و عمومی به بند خاطره می‌کشند، نمانده است. ماجرا اما همچنان تکراری است، آن‌قدر تکراری که حالا دیگر به یک سناریوی شناخته‌شده تبدیل شده است. تیمی که نماد شور و هیجان یک شهر است، با یک نامه اداری، یک امضای خنک و بی‌روح منحل می‌شود، بدون دلجویی، بدون پاسخ‌گویی. فهرست تیم‌های منحل‌شده را دوباره مرور کنید. انگار در قبرستانی شلوغ قدم می‌نژیم. هرکدام از تیم‌هایی که از صحنه فوتسال محو شدند، یک روایت عاشقانه قهری و زخم‌خورده دارند، تاریخ دارند. گویی فوتسال ایران حافظه جمعی ندارد یا اگر دارد، آن‌قدر کوتاه‌مدت است که فقط فصل جاری جدول را به رخ می‌کشد. مشکل فقط مسائل مالی نیست، مشکل ساختار معیوب است. هیچ نهاد نظارتی مشخصی بر روند تشکیل، ادامه یا انحلال تیم‌ها نظارت ندارد در حالی که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، انحلال تیم‌ها به عنوان بخشی از هویت یک شهر غیرممکن است اما در ایران با یک «عدم تمایل مالک» می‌توان یک تیم را برای همیشه از حافظه شهر پاک کرد. همه سکوت می‌کنند، همه چشم می‌پوشند و تیمی که می‌رود انگار نبوده است. چه بر سر بازیکنان آن تیم‌ها می‌آید؟ مربیانی که نان‌شان به این تیم بسته بود چه؟ هوادارانی که روزگاری عاشقانه پشت تیم‌شان ایستاده بودند دل‌شان را به چه گره بزنند؟ چرا هیچ‌کس به فکر ساختن آینده‌ای پایدار نیست؟ ساختار مدیریتی لیگ فوتسال ایران با وجود بلوغ اما هنوز در مرحله کودکی است. هنوز همه چیز بر مدار آزمون و خطا می‌چرخد. تصمیم‌گیری‌ها «شخصی» و انحلال تیم‌ها آسان‌تر از ثبت یک شماره تماس در فدراسیون است. چه کسی مسئول این فراموشی‌هاست؟ فوتسال صدای یک شهر است و خاموشی این صدا پایان یک رؤیاست؛ رؤیای هزاران جوان عاشقی که حالا تیمی برای دوست‌داشتن ندارند. اگر فکر اساسی نشود، ما می‌مانیم و گورستانی شلوغ از خاطرات.

علی ملک‌زاده: شاید کمی اغراق آمیز به نظر بیاید اما واقعیت این است که فوتبال باشگاهی ایران تابع هیچ نظم و قانونی نیست. یعنی قانون هست، اما در موارد مختلف، به شکلی سلیقه‌ای با آن برخورد شده و هر باشگاهی که اراده کرده و البته از روابط و نفوذ بیشتری بهره‌مند بوده، به انحاء مختلف قانون را به‌نفع خود دور زده است. برای این مهم، مثال‌های متعددی هم وجود دارد که از آن جمله می‌توان به قانون سقف بودجه باشگاه‌ها اشاره کرد؛ قانونی که باعث هیاهوی بسیاری شد و اعتراض تعدادی از باشگاه‌ها را به همراه داشت اما توسط فدراسیون فوتبال تصویب و ابلاغ شد. در مقطع ابتدایی فصل، هر باشگاهی دیگری را به رعایت‌نکردن قانون و دورزدن سقف بودجه متهم کرد و مدتی بعد شرایط آن‌قدر عجیب و غیرقابل کنترل شد که فدراسیون خود آن را زد و به عبارتی از خیر قانون من‌دراوردی و غیرکارشناسی خود گذشت. در روزهای گذشته مورد دیگری از این دست اتفاقات افشا شد که حیرت‌انگیز بود. ساکت الهامی ابتدای هفته قبل در حالی به عنوان سرمربی نساجی انتخاب شد که به نظر می‌رسید او در حال گذراندن حکم پنج ماه محرومیت خود توسط کمیته انضباطی است اما یک بار دیگر ثابت شد فوتبال ایران با همه‌جای دنیا تفاوت‌های زیادی دارد. ساکت الهامی بعد از به صدا درآمن سوت پایان دیدار نساجی - فولاد، درگیری لفظی با یحیی گل‌محمدی، همتای خود در تیم حریف، داشت و در عین ناباوری از کلمه‌ای زشت و زننده استفاده کرد. در ادامه او توسط کمیته انضباطی پنج ماه محروم شد؛ این حکم روز چهارم بهمن‌ماه ۱۴۰۳ اعلام شد و فقط در صورت تحت‌قراردادبودن الهامی با باشگاهی، سیری می‌شد. اما در سکوت و پنهان‌کاری، اتفاقات دیگری در حال رقم‌خوردن بوده و به عبارتی او پس از آن رفتار عجیب که منجر به محرومیت شد، از مدیران باشگاه نساجی پاداش هم دریافت کرده بود. در هر حال پس از جدایی میلووشویچ از نساجی، شنبه هفته گذشته مسئولان باشگاه قائمشهری اعلام کردند طی توافق مجددا ساکت الهامی هدایت نساجی را برعهده گرفته است. در

این شرایط سوآلات و ابهاماتی به وجود آمد که ماجرای محرومیت او چه شده است که دوشنبه‌شب، رئیس کمیته انضباطی در مصاحبه‌ای تلویزیونی روشنگری کرد. حسن‌زاده در این باره گفت: «باشگاه نساجی در همان زمان بعد از ارتکاب تخلف، با ساکت الهامی قطع همکاری نکرد و استعفایش را نپذیرفت، بلکه او را به‌عنوان مدیر الهامی انتخاب کرد تا فقط دوران محرومیتش سبری شود. اگر او تا پایان فصل آینده مرتکب تخلفی شده و حتی توییح کتبی برایش صادر شود، ۲.۵ ماه باقی‌مانده محرومیتش اجرایی خواهد شد». در واقع ساکت با وجود کناره‌گیری از هدایت نساجی با حکم علی خطیر، مدیرعامل وقت باشگاه، تحت قرارداد نساجی

الهامی ۵ روز پس از بازگشت جنجالی به نساجی، از هدایت این تیم کناره‌گیری کرد

پرهیاهوترین ساکتِ ایران



ماند و به شکلی فرمالیته در نقش مدیر آکادمی کارش را ادامه داد تا محرومیتش تمام شود. این صحبت‌های حسن‌زاده، موضوعی بود که از سوی برخی ناظران و رسانه‌ها به عنوان ترویج دورزدن قانون به شیوه فدراسیون فوتبال و ارکان قضائی آن در رسانه ملی، تلقی شد و البته شائبه‌هایی مبنی بر حمایت از باشگاه نساجی به دلیل روابط مالک این باشگاه با سرمربی تیم ملی و خدماتی که از طریق پروازهای تیم ملی ارائه داده، به وجود آمد. در این میان برخی رسانه‌ها هم با گزارش‌هایی، به نقش لابی و سفارش در بازگشت ساکت الهامی به نیمکت نساجی پرداختند و از روبه کمیته انضباطی و کمیته استیناف در صدور مجوز و همراهی برای کام‌بک این مربی جنجالی که پیش از این هم حاشیه‌سازی و محرومیت را در کارنامه داشته، انتقاد کردند.

استعفای شوکه‌کننده مربی‌ای که قرار بود معجزه کند

بعد از شکست نساجی مقابل پرسپولیس در هفته بیست‌وششم، ساوو میلووشویچ از هدایت این تیم کناره‌گیری کرد و مسئولان این باشگاه با تمام ماجراهایی که پیش‌تر به آن اشاره شد، یک بار دیگر به ساکت الهامی اعتماد کردند تا بلکه چهار بازی پایانی را با موفقیت پشت سر بگذارند و تیم قائمشهری در لیگ برتر بماند؛ به‌ویژه که ساکت الهامی قبلاً تجربه این مأموریت را داشت و توانست به‌خوبی آن را انجام دهد. او فصل پیش نیز در روزهایی که این تیم در قعر جدول قرار داشت، از هفته بیستم سرمربی بیرهای مازندران شد و در انتهای فصل نساجی را در لیگ برتر حفظ کرد؛

سوژه

قهرمانی تاریخی زنان بسکتبالیست ایران

تیم ملی بسکتبال زنان ایران با خلق نمایشی درخشان و ثبت دو پیروزی قاطع برابر سوریه و اردن، برای نخستین بار در تاریخ موفق شد عنوان قهرمانی رقابت‌های غرب آسیا را به دست آورد و جواز حضور در رقابت‌های دیویزن B قاره کهن را کسب کند. این اتفاق، نقطه عطفی در روند پیشرفت بسکتبال زنان ایران به شمار می‌آید؛ نشانه‌ای از بلوغ فنی، آمادگی ذهنی و اتحاد درون تیمی که در سال‌های اخیر به دقت برای آن برنامه‌ریزی شده بود. رقابت‌ها از ۲۶ فروردین به میزبانی اردن آغاز شد و شاگردان النی کاپوچیانن در اولین گام موفق شدند با نتیجه ۶۵ بر ۵۵ از سد تیم ملی سوریه عبور کنند. دیداری که با عملکرد متوازن و استفاده درست از موقعیت‌ها همراه بود و نشان داد ایران با ذهنیتی برنده به مسابقات آمده است. دیدار دوم اما حساس‌تر و حیاتی‌تر بود؛ تقابل با اردن، میزبان مسابقات که با روحیه‌ای بالا و امید به قهرمانی یا به میدان گذاشته بود. بااین‌حال، بسکتبالی متفاوت از تیم ملی ایران به نمایش درآمد؛ بازی‌ای که نه‌تنها حریف را غافلگیر کرد، بلکه از نظر انسجام دفاعی، دقت در حمله و اجرای تاکتیک‌های تیمی، گامی فراتر از دوره‌های پیشین بود. تیم ایران در لحظاتی از بازی، با اختلاف بیش از ۲۰ امتیاز از اردن پیش افتاد و در نهایت با نتیجه ۸۸ بر ۷۰، قاطعانه پیروز میدان شد؛ آن‌هم درحالی‌که در تمام چهار کوارتر، ملی‌پوشان ایران از حریف پیشی گرفتند. با توجه به اینکه رقابت‌های دیویزن A آسیا در تیرماه برگزار می‌شود، زمان کوتاه اما مناسبی در اختیار کادر فنی قرار دارد تا با برنامه‌ریزی دقیق، از این موفقیت استفاده کرده و گام بعدی را برای صعود به دیویزن A طراحی کنند. تیم ملی بسکتبال زنان ایران اکنون در نقطه‌ای ایستاده که تنها یک پله تا حضور در سطح اول قاره فاصله دارد. قهرمانی غرب آسیا، نه یک پایان، بلکه آغاز مسیری است که می‌تواند با استمرار حمایت‌ها، به تحقق رؤیای صعود به دیویزن A و درخشش در آسیا بینجامد.

برقرار نکردن ارتباط چشمی

میتواند نشانه‌ی اختلال اُتیسْم باشد.

ماه آگاهی بخشی اُتیسْم گرامی باد.

هر رفتار داستانی دارد. #داستان – اُتیسْم – را- پشوو

ما با تماس بگیرید

۰۲۱-۴۸۰۸۵۰۰۰

ماه جهانی آگاهی بخشی اُتیسْم

World Autism Awareness Month

انجمن اتیسم ایران

Iran Autism Association

میزبانی تیم ملی از کره شمالی در مشهد قطعی شد

آندو: ۲ بازی پیش‌رو برای ما تشریفاتی نیست



با تأیید رسمی کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC)، ورزشگاه امام رضا(ع) در مشهد میزبان دیدار تیم ملی فوتبال ایران مقابل کره شمالی در چارچوب مسابقات انتخابی جام جهانی ۲۰۲۶ خواهد بود. این بازی قرار است ساعت ۱۹:۳۰ روز ۲۰ خرداد برگزار شود؛ مسابقه‌ای که هرچند تأثیری در صعود ایران ندارد و شاگردان قلعه‌نویی راهی جام جهانی شده‌اند، اما همچنان از اهمیت بالایی برخوردار است. پیش از اعلام رسمی AFC، مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال، با اشاره به هماهنگی‌های انجام‌شده با امیر قلعه‌نویی و استاندار خراسان رضوی، از میزبانی شهر مشهد برای این بازی خبر داده بود. انتخابی که خاطره تلخ دیدار ایران و لبنان در فروردین ۱۴۰۱ را زنده کرد؛ جایی که زنان با وجود داشتن بلیت، اجازه ورود به ورزشگاه را پیدا نکردند و در نهایت با برخورد نامناسب و حتی استفاده از اسپری فلفل مواجه شدند. این رفتار باعث واکنش‌های تند داخلی و بین‌المللی شد و اگرچه وعده‌هایی برای برخورد با مقصران داده شد، اما عملاً هیچ تغییری مشاهده نشد و ماجرا در هاله‌ای از ابهام باقی ماند. اکنون که فدراسیون بار دیگر تصمیم به برگزاری بازی در مشهد گرفته، این پرسش مطرح می‌شود که آیا تمهیدات لازم برای جلوگیری از تکرار آن حوادث در نظر گرفته شده است یا خیر؟ درحالی‌که فوتبال ایران نیازمند بازسازی اعتماد عمومی و ارتقای وجهه بین‌المللی خود است، انتخاب محل‌های حساس برای میزبانی بدون اصلاح ساختارهای اجرایی می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری داشته باشد. در چنین فضایی، بازگشت دوباره میزبانی به مشهد می‌تواند یک فرصتی برای ترمیم چهره فوتبال ایران باشد یا تکرار اشتباهی که پیش‌تر هزینه‌های زیادی در پی داشت.

در سوی دیگر، کادر فنی تیم ملی نگاه ویژه‌ای به دو مسابقه باقی‌مانده دارد. آندرانیک تیموریان، مربی تیم ملی، در این زمینه به «شرق» گفت: «تیم ملی با تمام توان در این دو مسابقه به میدان می‌رود و این دو دیدار برای ما تشریفاتی نیست. درواقع آماده‌سازی برای جام جهانی از همین حالا آغاز شده و همه بازیکنان فعال در لیگ، زیر نظر کادر فنی هستند». تیموریان همچنین ابراز امیدواری کرده که تیم ملی بتواند در جام جهانی ۲۰۲۶ برای نخستین بار از مرحله گروهی صعود کند.